

## سیری در ترجمه و بازپرداخت سرگذشت خر

جعفر پایور



براساس کلیله این مقف انجام گرفت. تأثیر کلیله بر ادبیات فارسی، چه بر ادبیات فلسفی عرفانی قرن‌های سوم و چهارم تا ششم، در آثار «ابن‌سینا»، «غزالی» و «سهروردی» و چه ادبیات داستانی عرفانی پس از آن، انکارناپذیر است. علاوه بر این، نقش پراهمیت کلیله، پیش از به وجود آمدن گلستان سعدی، بیشتر در حیطه آموزش نوجوانان نمود می‌یافت و به نوعی به حوزه ادبیات آموزشی و تربیتی نوجوانان مربوط می‌شد. به این دلایل مهم، چگونگی ترجمه و بازپرداخت این اثر را مورد بررسی قرار می‌دهم.

مصدر مرخم «پرداخت» به معنی کارسازی کردن، جلا دادن و آراستن، ساختن و مرتب کردن است. با توجه به کاربرد وسیع این واژه، می‌توان دریافت که تاکنون عمل پرداختن تنها در فرم و شکل اثر ترجمه شده، صورت گرفته است. این اصطلاح، با توضیحات نصرالله منشی مطابقت دارد. او درباره ترجمه کلیله و دمنه می‌نویسد: «چون تاملی رود، بر دیگر کتاب پارسی... مقابله

در این نوشتار، سخن بر سر روشی است که از دیرباز تاکنون، در ادبیات فارسی رایج بوده است: ترجمه و بازپرداخت. این روش، دست کم از زمان ساسانیان، به هنگام آوردن کلیله و دمنه از هند و ترجمه آن به زبان پارسی پهلوی، قدمت دارد. به قول «نصرالله منشی» مترجم این اثر در قرن ششم ه‍.ق، کلیله متعلق به هندوان، ده باب داشت که ایرانیان، شش باب به آن افزودند. این افزایش، در ارتباط معنایی با سرگذشت «کلیله و دمنه»، دو حیوان محوری این اثر صورت گرفته است. احتمالاً «برزویه» با افزودن قصه‌ها و حکایاتی از منابع ادب فارسی و هندی به اصل اثر، آن را متناسب با مذاق و سلیقه ایرانیان ساخته است؛ بی‌آنکه اصل موضوع تغییر یابد.

پس از اسلام «ابن‌مقف» ایرانی، همراه کتاب‌های متعدد فارسی، کلیله را نیز به عربی ترجمه کرد و گویا چند باب و تعدادی قصه نیز به آن اضافه کرد که شرح آن در این بحث نمی‌گنجد. ترجمه نصرالله منشی، در قرن ششم ه‍.ق،

## ● کلیله و دمنه، بیشتر در حیطه آموزش نوجوانان نمود دارد و به نوعی، به حوزه ادبیات آموزشی و تربیتی نوجوانان مربوط می‌شود.

برون مرا وجهی اندیشید، و حیلتي سازید، گفتند: رنج هجران تو ما را بیش است، و هر کجا رویم اگرچه در خصب و نعمت باشیم بی‌دیدار تو از آن تمنع و لذت نیابیم... اگر خواهی که تو را ببریم. شرط آن است که چون تو را برداشتیم و در هوا رفتیم چندان که مردمان را چشم بر ما افتد اگر چیزی گویند، راه جسد بریندی و البته لب نگشایی»<sup>(۱)</sup>.

همچنین، تغییر اندکی در اثر، از نظر خلاصه کردن باب‌ها ایجاد کرده است. مثلاً باب برزویه طبیب را «هرچه سوجزتر پرداخته» است؛ زیرا توضیحات طولانی این باب را همسو با روند کلی اثر ندانسته و معتقد بود اگر موضوعی باید اضافه شود، می‌باید در ارتباط داستانی باشد که اتفاق افتاده است؛ یعنی مربوط به سرگذشت دو شغال «کلیله» و «دمنه» باشد.

آن‌گونه که از آثار موجود استنباط می‌شود، ترجمه در هر دوره از تاریخ ادبیات فارسی، به دلیل و هدف خاصی صورت گرفته است. پیش از اسلام، مستندترین آثار ترجمه‌ای را می‌توان در زمان ساسانیان ردگیری کرد؛ به ویژه در عهد «خسرو انوشیروان». ترجمه در عهد او، نقش گسترش فرهنگ، قدرت بخشیدن به نظام حکومتی و تسری آن به دیگر نقاط جهان را بر عهده داشته است. در نتیجه، آثاری مانند کلیله، به عنوان کتابی آموزشی و تربیتی، مرجع اصول و ضوابط مدیریتی نظام قرار گرفت. در قرن ششم ه.ق. پس از نفوذ و گسترش اسلام، ترجمه برای پیوند فرهنگ کهن با فرهنگ حاکم صورت گرفت. نصرالله منشی، سعی داشت توجه مخاطبان را به عمق فرهنگ کهن

کرده آید، شناخته گردد که این ترجمه چگونه پرداخته آمده است». سپس به انتقاد مترجمان کلیله می‌پردازد و علت ضعف ترجمه آنان را در عدم پرداخت درست و بی‌توجهی آنان به آراستن و جلا دادن شکل اثر می‌داند؛ مراد آن مترجمان را تنها «تقریر سحر و تحریر حکایت» و «نه تفهیم حکمت و ایضاح موعظت» می‌داند. از این اظهار نظر می‌توان نتیجه گرفت که مترجمان نباید تنها به ترجمه کمی و ساده بعضی آثار اکتفا کنند، بلکه باید با کارسازی مناسب شکل آنها و آراستن متناسب آثار، موضوع آنها را برای خوانندگان جذاب کنند تا پیام‌ها شفاف‌تر به آنها برسد و منظور نویسنده اصلی بهتر درک شود. علت تصمیم نصرالله منشی، برای ترجمه کلیله این بود که: «این کتاب را که مرده چند هزار سال است، احیایی باشند، او برای رسیدن به چنین خواسته‌ای، «لباس زیبا» پوشاندن به اثر را راه حل اصلی می‌داند و پرداخت اثر را «در بسط سخن و کشف اشارات آن» دانسته و «آن را به آیات و اخبار و ادبیات و اشعار» آراسته، مثل‌های فراوان عربی و فارسی برای حجت حکایات آورده تا سهل‌تر درک شود. همچنین، آیات را به هم تلفیق کرده و در میان قصه‌ها آورده تا منظور آنها را به روشنی مشخص سازد. بیشترین تأکید وی بر تحرک‌بخشی و پویایی زبان بوده است. بنابراین، ترکیبات بسیاری را وضع کرده و از واژه‌های فارسی قدیم سود برده است. او گرچه از لغات، جملات و اشعار عربی به فراوانی استفاده کرده، اما با به کارگیری واژه‌ها و کلمات فارسی خوش‌آهنگ، از خشکی و ملالت آنها کاسته است. اغلب جملات ترجمه او کوتاه، توأم با موازنه و قرینگی‌سازی و سجع است؛ «عاقبت مکر، نامحمود، و خاتمت عذر، نامحبوب است». و یا «سنگ‌پشت گفت:

۱. سبک‌شناسی، محمدتقی بهار، انتشارات امیرکبیر، جلد دوم.

## ● آن‌گونه که از آثار موجود استنباط می‌شود، ترجمه در هر دوره از تاریخ ادبیات فارسی، به دلیل و هدف خاصی صورت گرفته است.

سرگرفتند و «چراغ روشن چشم»<sup>(۱)</sup> را تا صبح مشروطیت بیدار نگاه داشتند.

از آنجا که در سنت ادبی ایران، سخن از مدنیت و حقوق اجتماعی و فردی انسان وجود نداشت، ترجمه و بازپرداخت در این مقطع، بیش از سایر شیوه‌ها و روش‌های ادبی (بازنویسی و بازآفرینی) رونق یافت. و چون و سوسه آزادیخواهی و قانون‌طلبی، به جان جامعه ایران افتاده بود و به طور روزافزون شدت می‌گرفت، ترجمه نتوانست شکل ساده و معمولی به خود بگیرد؛ در نتیجه، بازپرداخت به شکل بسیار خاص ظاهر شد.

از میان آثار ترجمه و بازپرداخت شده این دوره «سرگذشت خسر» را انتخاب کرده‌ایم و چگونگی بازپرداخت آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم. اصل این اثر، در واقع به حیطة رسمی ادبیات کودک و نوجوان تعلق دارد و نشان می‌دهد که پیشینه توجه روشنفکران به ادبیات کودک و نوجوان تا چه حد است. این اثر، گرچه در حین بازپرداخت در ایران، دچار تغییرات هویتی: مضمون و محتوا و درونمایه‌ای شده است، اما از نظر شناخت آثار ادبیات کودک و نوجوان آن زمان از سوی روشنفکران ایرانی، اهمیت ویژه‌ای دارد و نشان می‌دهد که مترجم آن، به حوزه ادبیات کودک و نوجوان خارجی، توجه داشته است.

نحوه و چگونگی بازپرداخت این اثر، نقطه ثقل بحث ما به شمار می‌آید و هدف از بررسی این اثر، شناخت چگونگی روش ترجمه و بازپرداخت در آن مقطع تاریخی است. انتخاب این اثر برای بررسی، نه به دلیل طرفداری بی‌قید و شرط از بازپرداخت آن، بلکه نشان دادن واقعیت وجودی این نوع آثار است که در گنجینه ادبیات فارسی وجود دارد و به

۱. اصطلاح از جناب حافظ است.

ایران و ارزش‌های آن جلب نماید. از این رو، ناگزیر شد «لباسی زیبا» به اثر بیوشاند، اما در این راه با مشکلاتی مواجه بود. او برای مقابله با لغافی‌ها و توجه به ساخت ظاهری پرتکلف آثار دیگر که در آن عهد نزد علما و ادیبان مرسوم بود، به ناچار می‌بایستی از صنایع لفظی و آرایه‌های پرمطراق و اغراق‌آمیز به حد اشباع استفاده کند تا از طریق فضل‌نمایی و اظهار عربی‌دانی، حضور خود را در عرصه ادب اعلام و تثبیت کند. او برای رسیدن به هدف خود که ایجاد ارتباط بین فرهنگ گذشته و فرهنگ زمان خود بود، به گونه‌ای وسیع و کافی از آرایه‌ها، آیات، اشعار و احادیث استفاده کرده است. ترجمه در زمان قاجار که به «نهضت ترجمه» معروف است، با هدف خاصی صورت گرفته و به شکل ویژه‌ای ظهور کرده است. هدف مترجمان این عهد، تربیت اصحاب خبره و روشنفکر بود. در زمان «فتحعلی شاه»، «عباس میرزا» و «لیعهد او»، عده‌ای را برای تحصیل علوم و یادگیری فنون جدید به اروپا فرستاد. این عده پس از بازگشت به ایران، معضلی برای حکومت قاجار شدند؛ زیرا خواهان پایه‌گذاری مشروطیت و طالب آزادی و مدعی شرکت در مدیریت کشور بودند. آنان رفاه و پیشرفت و آسایش مردم اروپا را دیده بودند و آن را با شرایط جامعه عقب‌مانده و فاقد اصول اولیه ایران مقایسه می‌کردند؛ در نتیجه، دچار تضاد و تناقض شده بودند. به زعم آنان، علت اصلی مصیبت مردم ایران، در شیوه مدیریتی غلط و بی‌قانونی کشور بود. و چاره کار را در آگاه کردن هرچه بیشتر اقدار مردم، باسواد کردن آنان و تربیت قشر کارآمد و روشنفکر می‌دیدند. آنان برای رسیدن به این اهداف، کار ترجمه و بازپرداخت منابع و آثار اروپایی را به طور بسیار جدی

اصطلاح غلط و بی‌پایه، برای آثار ترجمه‌ای استفاده شود. در سنت ترجمه و بازپرداخت، چه از زمان کهن و چه امروز، چنین مفهومی از ترجمه در آثار ادبیات فارسی دیده نشده است. مثلاً در مورد کلیله و دمنه، چه پیش از اسلام و چه بعد از آن، خطایی در ترجمه و بازپرداخت آن نشده است. در زمان قاجار، عهد ناصری و نهضت ترجمه نیز مترجمان آثار بسیاری چون «بوسه عذرا»، اثر «جورج رنولدز» انگلیسی ۱۸۱۴-۱۸۷۹ م، کتاب «حاجی بابا اصفهانی»، اثر جیمز موریه، و یاد در عهد مشروطیت و پس از آن، بازپرداخت‌های «سید اشرف‌الدین قزوینی»، معروف به نسیم شمال (متولد ۱۲۸۷ ه.ق) که از روی آثار میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر، از زبان ترکی به فارسی صورت داده است، هیچگونه تغییری در اصل موضوع و یا پیام‌ها و دیدگاه‌های نویسنده اصلی کتاب صورت نداده‌اند. اطلاق «ترجمه آزاد» به چنین آثاری، این برداشت و فکر را در انذهان ایجاد می‌کند که مترجم می‌تواند به دلخواه، بی‌ضابطه و بدون رعایت حق نویسنده اصلی، هر عملی و تغییری را روی آثار

دلیل نیاز زمان این‌گونه بروز کرده و شکل گرفته است. اکنون پرسش‌ها و نکات مبهمی در ارتباط با این نوع ترجمه و بازپرداخت‌ها مطرح است؛ با این نوع آثار چگونه باید مواجه شد؟ اگر آن مقطع، ضرورت چنین شکلی را از ترجمه ایجاب می‌کرد، آیا در این زمان و در شرایط خاص وجود شبکه ارتباطات جهانی، این نوع بازپرداخت کردن ضرورت دارد؟ و یا اصولاً این روش، با آن شکلی که در زمان قاجار پدید آمد، و فرزند زمان خود بود، هم اکنون نیز باید ادامه یابد؟

قبل از پرداختن به پاسخ این پرسشها، می‌توان گفت اصطلاح ترجمه و بازپرداخت همان اصطلاح «ترجمه آزاد» است که در سابق، چه بسا هم اکنون، به کار می‌رفت. از آنجا که اصطلاح «ترجمه آزاد» مفهوم گسترده‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد، و می‌تواند شامل تغییر موضوع و محتوا و مضمون و درونمایه اصل اثر بشود و اصولاً چنین تغییرات بنیادی در روش ترجمه ممنوع و نادرست است، زیرا مترجم حق تغییر موضوع و پیام‌ها و دیدگاه نویسنده اصلی را ندارد. بنابراین نباید از این



● تغییرات محتوایی که بر اصل «سرگذشت خر» وارد آمده و مضمون‌هایی که به آن افزوده شده، ارتباطی با اصل داستان فرانسوی آن ندارد.

بر او روا داشته می‌شود، بیان می‌گردد. این کتاب برای آموزش نوجوانان و شناخت دنیای حیوانات و رعایت حقوق آنها از سوی انسان‌ها نوشته شده است.

«سرگذشت خر» را میرزا علی‌خان امین‌الدوله، از اندیشه‌وران و رجل فهیم دوره ناصرالدین شاه ترجمه کرده است. وی ترجمه را از روی متن عربی، متعلق به محمدحسین جمل مصری انجام داده است. زمان ترجمه این اثر، اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۶ ه. ق) وزیر انطباعات بود. او خود یکی از مترجمان و بازپرداخت‌کنندگان مشهور دوره «نهضت ترجمه» بوده است. احتمالاً، وقتی ترجمه سرگذشت خر، به دست این وزیر می‌رسد تا برای چاپ آماده شود، وی با همدلی و توافق امین‌الدوله، بازپرداختی خارج از حد معمول و قانونی روی این اثر صورت می‌دهد. برای مثال، جنبه تمثیلی به اثر داده می‌شود و مضمون و محتوای اجتماعی و سیاسی توأم با درونمایه حقوق بشری به آن افزوده می‌گردد. کاملاً معلوم است که ترجمه این اثر، به منظور خاصی بازپرداخت شده است. چنان که یکی از کارکنان وزارت انطباعات آن روز، در حاشیه این اثر می‌نویسد: «از اول خیال مرحوم امین‌الدوله و مرحوم اعتمادالسلطنه از نگارش این کتاب مرادشان تنقید و تنبیه از مرحوم میرزا علی‌اصغر خان صدراعظم بود. چنانچه خود ناصرالدین شاه این مطلب را فهمیده بودند. و چندی امر به توقیف این نسخه شده ولی وقتی این حکم صدور یافت که از کتب چیزی باقی نمانده بود مگر بقدر چهل پنجاه نسخه». این اظهارنظر بدین معناست که اثر کاملاً جنبه سیاسی و اجتماعی پیدا کرده بود.

دیگران انجام دهد. ممکن است به آثاری برخورداریم که در عهد ناصری، بی‌ضابطه ترجمه و بازپرداخت شده‌اند؛ مثلاً ترجمه‌ها و بازپرداخت‌هایی که از روی آثار مولیر صورت گرفته و یا «سرگذشت خر» که به این دلیل مورد نقد قرار گرفته که چگونگی تخلف آن روشن شود، اما استثناء قاعده نمی‌شود و باید این نوع آثار را یک استثناء، در یک مقطع استثنایی دانست.

بحث درباره بازپرداخت، در حوزه ادبیات نوپای کودک و نوجوان ایران، از آن جهت اهمیت دارد که به کارگیری این روش به صورت غلط و غیرفنی، در این حوزه بسیار رایج شده است. از آنجا که تجربه اروپایی‌ها در ادبیات کودک، نزدیک به دو قرن پیش است، و آنان دارای آثار متعدد و متنوعی در این حوزه هستند، بدین جهت آن آثار منبع کمی و کیفی پرباری برای ادبیات کودک و نوجوان ایران به حساب می‌آید که مترجمان، بنا به ضرورت و نیاز به کار ترجمه و بازپرداخت آن می‌پردازند. بنابراین، شکی نیست که این روش، مفهوم حساس‌تری می‌یابد و باید معنای روشن و دقیقی از آن ارائه شود. با توجه به پشتوانه قرن‌ها استفاده از این روش در ادبیات فارسی، بی‌تردید با پیگیری و ابراز نظر کارشناسی، می‌توان به وضع ضوابط و اصولی منطقی برای این روش پرداخت. توافق بر سر به کارگیری یک اصطلاح درست و فنی و کاراً؛ ترجمه و بازپرداخت، به جای ترجمه آزاد، نخستین گام در این جهت است.

«سرگذشت خر» داستانی است که خانم «کنتس دو سگور» نویسنده ادبیات نوجوان فرانسوی نوشته است. اثر، سرگذشت یک خر است و از زبان خود وی، رنج‌ها و ستم‌هایی که از سوی انسان‌ها

● هر نوع داوری درباره ترجمه آثاری چون «سرگذشت خر» و یا آثار مولیر در عهد قاجار، باید با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی ایران در آن دوره باشد.

مترجم در توجیه بازپرداخت این اثر، در مقدمه کتاب می‌نویسد: «دانشوران برای اینکه عالم امکان را «لایق ترقی و شایان کمال» گردانند... «بهبان‌های عجیب» یافته‌اند. از جمله اینکه «تلخی قول حق» را به «شیرینی شوخی» در افسانه‌های کودکانه آراسته‌اند تا به «آذهان عامه» مناسب‌تر افتد».<sup>(۱)</sup> این توضیح، در نگاه اول با افکار و عملکرد امین‌الدوله متناقض می‌نماید؛ زیرا او فردی مطلع و دانا به دانش روز بود و بعید است که ندانسته باشد این اثر، واقعاً برای نوجوانان و آموزش آنان نوشته شده است. او همان کسی است که وقتی والی تبریز شد، میرزا حسن رشیدیه را فراخواند تا دبستانی به طرز جدید در تبریز بنا نهد. و با تمام قوا از او حمایت کرد. و در انتقال به تهران نیز دبستانی به دستور او، با همان شکل و نام در تهران تأسیس شد. وی در آن زمان، بودجه‌ای در حدود ۳۶۰۰۰ تومان<sup>(۲)</sup> برای آن دبستان جمع‌آوری کرد و انجمن معارف برای رسیدگی و نظارت به امور دبستان تشکیل داد. بدین ترتیب و با این سابقه می‌توان به میزان توجه و عنایت امین‌الدوله نسبت به کودکان و نوجوانان و امور آنان پی برد که چگونه باسواد کردن و بالا بردن دانش آنان را سرلوحه زندگی خود قرار داده بود. بی‌تردید، این عشق و توجه او به دانایی و دانش‌اندوزی نوجوانان، سبب توجه او به آثار ادبی کودک و نوجوان اروپا شده بود. و «سرگذشت خر» را نخست به همین منظور انتخاب و ترجمه کرده است، اما پس از بحث و توافق با اعتمادالسلطنه، استدلال ضرورت نیاز زمان به بیان حقوق فردی و اجتماعی را قبول کرده و اثر را برای بیان مسائل حقوق فردی و اجتماعی و سیاسی مردم آماده کرده است.

خلاصه داستان «سرگذشت خر» در نسخه اصلی

چنین است: خری به «سرور مهرگستر» خود، به آقا میرزا جعفر نامه می‌نویسد. و سرگذشت مشقت‌بار

خود را شرح می‌دهد و درددل می‌کند که «طرف صدمه و زحمت غیر منصفانه نوع بشر و همچنان جنابعالی هستیم». البته آنانی که «به قاطبه زیردستان صدمه می‌رسانند از ما خترند». صاحب خر زنی «سلیطه و بر شوهر و اولاد خود مسلط» است. زن هر روز خر را بار سنگین گذاشته و خود نیز که «چاق و گنده» است، روی بار می‌نشیند، و خر را با «ضرب شلاق و دنگ» به بازار شریف‌آباد می‌برد؛ «دور از جان شما، هرگاه (تازیانه را) به حرکت آورده می‌نواخت، حلقه‌های زنجیر بی‌پیرش سلسله حیاتم را می‌گسیخت». «هرچه ناله می‌کردم، این سلیطه را دل بر من نمی‌سوخت، بلکه عجز و استرحام من بیشتر سبب جسارت او می‌شد و زیاده‌تر بارم می‌نمود». «بالاخره صبر و شکیبایی زایل و حوصله بر من تنگ شد، سه لگد به سمت او انداختم. با لگد اول بینی و دندانش را در هم شکستم، با لگد دوم دستش را رنجاندم، لگد سوم... بر زمین افتاد... ما جنس خران وقتی سرکش و چغوش می‌شویم که صدمات وارده به خود را تلافی نماییم. پس فرق ما با اشرف مخلوقات این است که در مقابل نعمت به تلافی محبت شمرارت نمی‌کنیم». اما «هر شخص مستبد و مسلطی» که به دیگران درشتی و سختی نمود، حاصل کردارش را خواهد دید.<sup>(۳)</sup> خر با این اعتراض فرار می‌کند و پس از سرگردانی‌هایی، سرانجام صاحبی مهربان پیدا می‌کند و به سامان می‌رسد.

از همین نقل‌قول‌های کوتاه می‌توان دریافت که زبان ترجمه بسیار روان و صمیمی است. گفتارهای کنایه‌ای و نیش‌های کلامی، به کار بردن

۱. نقل از کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت - فریدون آدمیت. انتشارات پیام ۱۳۵۵. صفحه ۶۷.
۲. از صبا تا نیما. بحیثی آریین‌پور. شرکت سهامی کتابهای جیبی. صفحه ۲۷۴.
۳. جملات و عبارات داخل گیومه، به نقل از کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. فریدون آدمیت. انتشارات پیام ۱۳۵۵. صفحه ۶۵-۶۹.

ترجمه و بازپرداخت ادبیات فارسی، مترجم موضوع و محتوا و درونمایه اصل اثر را تغییر نداده و هر تغییری که صورت گرفته در شکل و صورت اثر بوده است.

اکنون وقت آن است که صاحبان اندیشه و منتقدان و صاحب نظران، با مسئله ترجمه و بازپرداخت، به گونه‌ای درست و منطقی و بسیار جدی برخورد کنند. هر نوع داوری درباره ترجمه آثاری چون «سرگذشت خر» و یا آثار مولیر در عهد قاجار، باید با توجه به شرایط آن مقطع تاریخی و اجتماعی ایران باشد. باید قبول کرد که ممکن است در شرایط ویژه تاریخی اجتماعی، شکل‌های ویژه‌ای در روش‌های خلق ادبی ظهور نمایند که در مقاطع بعدی به کار نیایند. مثلاً اکنون در زمان ما که با توجه به راه‌های متنوع ارتباطات جهانی و با وجود فن‌آوری‌های بسیار پیشرفته و جادویی تصویری که بدون نیاز به گفتار، تنها از طریق فریم‌های تصویری می‌توان با مخاطب ارتباط یافت. آیا ترجمه و بازپرداخت در حوزه ادبی و هنری، با چنان شکلی که محتوا و درونمایه اصلی را به هم ریزد، توجیه‌پذیر است؟ در این مقطع زمانی، مترجم با تغییر نام اشخاص و مکان‌ها و یا حذف باورها و آداب و فرهنگ و رسوم مردم دیگر کشورها، چه اهدافی را می‌تواند محقق سازد؟ اگر معذورت و منعی برای ترجمه آن آثار وجود دارد و یا مترجم با عقاید و احساسات فردی و پیام‌ها و دیدگاه و باور نویسنده اصلی اثر موافق نیست، آیا اصولاً ضرورتی برای ترجمه اثر آن نویسنده وجود دارد؟ مگر نه این است که عناصر به کار رفته در آن اثر، دارای روح و هویتی به هم بافته و مخصوص به خود است؟ و اگر بر هویت یک اثر خدشه وارد آید، آن اثر دیگر به نویسنده اصلی آن تعلق ندارد؟ این عمل در ترجمه، بی‌منطق و غلط و توهین به ساحت الای ادبیات و هنر است. ممکن است نویسنده‌ای یا مترجمی، از اثری غیر از زبان

اصطلاحات و تکیه کلام‌های عامیانه، جنبه شرح و توضیح صرف و خشک سرگذشت را تعدیل کرده است. به طوری که مخاطب، بعضی لحظات می‌تواند حالات خر و آزرگی و آزار او را تجسم نماید و با او احساس همدردی داشته باشد. نام اشخاص و مکان‌ها نیز به فارسی تبدیل شده است، اما کار اساسی بازپرداخت، روی شخصیت خر صورت گرفته که او را شخصیتی اندیشمند جلوه داده است و تفاوت نگرش بازپرداخت‌کننده، با نویسنده اصلی در این نکته نهفته است؛ زیرا قصد نویسنده اصلی تنها بیان سرگذشت حیوانی بوده که حقوق زندگی‌اش توسط انسان‌ها رعایت نمی‌شده است. در نتیجه، جفتک‌اندازی و لگدپرازی را شروع می‌کند. اما شخصیت خر در ترجمه و بازپرداخت امین‌الدوله، شخصیتی تمثیلی و نماد انسان‌هایی فرض شده است که در جامعه‌ای بی‌قانون و مستبد و پرفساد گرفتار هستند و با آگاهی کامل، علیه این جور و ستم قیام می‌کنند و خود را رها می‌سازند. این خر نمادین، به قوانین هستی می‌اندیشد و مانند انسانی فرهیخته، به اصول مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها آشناست. با استدلال ثابت می‌کند حکومت فردی مطلقه خلاف نظام طبیعت است. او فساد و تباهی دستگاه حکومتی و جامعه را از استبداد می‌داند. مترجم حتی کار پرداخت را به آنجا می‌کشاند که لویی پانزدهم و وزیر او را به میان می‌آورد، در حالی که در اصل اثر نامی از این دو برده نشده است، و مشخص است برای کنایه نیشدار به فساد دولت امین‌السلطان و ناصرالدین شاه آفریده شده‌اند.

آن‌گونه که از توضیحات فریدون آدمیت برمی‌آید، تغییرات محتوایی که بر اصل «سرگذشت خر» وارد آمده و مضمون‌هایی که به آن افزوده شده، ارتباطی با اصل داستان فرانسوی «سرگذشت خر» ندارد. طبق اسناد موجود در سنت

● از آنجا که «ترجمه آزاد» مفهوم گسترده‌ای دارد که می‌تواند شامل تغییر موضوع و محتوای اثر شود، اصولاً روشی درست در ترجمه به حساب نمی‌آید.

● نمی‌شود اثر نویسنده خارجی را به قصد ترجمه انتخاب کرد و هر نوع تغییری در موضوع و مضمون آن انجام داد و نامش را گذاشت «ترجمه آزاد».

قرار داده تا اندک اندک تنظیم ضوابط و قواعد این روش ممکن گردد. یکی از آثاری که با روش ترجمه و بازپرداخت، به وجود آمده و می‌تواند مورد استناد برای تنظیم قواعد این روش باشد، «قصه‌های من و بابام» است که به وسیله زنده‌یاد ایرج جهانشاهی ترجمه و بازپرداخت شده است. ترکیب اصطلاحی «بازپرداخت» متعلق به جهانشاهی است که برای ترجمه این اثر انتخاب کرده است. این کتاب، یک اثر تصویری است و متعلق به اربش اُزر آلمانی است. مترجم با توجه به دانش پایه و نیاز کودک ایرانی، اثر را چنان بازپرداخت و نوشته است که بتواند بیشتر درخور فهم و درک آنها باشد. جهانشاهی، در توضیح چگونگی ترجمه و بازپرداخت خود می‌نویسد:

«۱. تصویرهای هر سه کتاب اصلی جابه‌جا شده‌اند.

۲. از ۱۵۰ مجموعه تصویر هر سه کتاب اصلی ۹ مجموعه تصویر که با فرهنگ و نیاز و فهم کودک ایرانی سازگاری ندارند، کنار گذاشته شده است. به همین سبب در چند تصویر هم تغییری بسیار اندک داده شده است تا در شمار تصویرهایی قرار نگیرند که... دشواری‌هایی را سبب شود.

۳. برای هر کتاب عنوانی برگزیده شده است تا خط داستانی را، پس از معرفی قهرمانان و بیان رویدادها، در آخرین کتاب به اوج و پایان برساند.

۴. تصویرها از راست به چپ تنظیم شده‌اند تا با خط حرکت چشم کودک فارسی زبان هماهنگ باشند.

فارسی الهام بگیرد و اثری مستقل بیافریند. در این صورت وارد حوزه دیگری به نام بازآفرینی شده است. و این رسمی متداول است که در تاریخ آفرینش‌ها و خلق ادبی و هنری اتفاق افتاده است. اما ربطی به ترجمه ندارد. نمی‌شود اثر نویسنده خارجی را به قصد ترجمه انتخاب کرد و هر نوع تغییری در موضوع و مضمون و درونمایه آن انجام داد و نامش را گذاشت «ترجمه آزاد». این عمل با هر توجیهی غیرقابل قبول است. ممکن است عنوان شود اگر نام نویسنده اصلی را حذف کنیم و تغییر در بن مایه اثر وارد آوریم و اثر را به نام خود بنویسیم، چه می‌شود؟ در این صورت «دزدی ادبی» صورت گرفته است، که با بحث این نوشتار مغایر است.

«سرگذشت خسر» و آثاری از این نوع، استثنائاتی هستند که اکنون نه شرایط به وجود آمدن مشابه آنها فراهم است و نه لزومی به تکرار تجربه‌ای غلط و غیرفنی احساس می‌شود، بلکه باید با دقت و حساسیت عالمانه، به تنظیم ضوابط و قواعد اصولی برای این روش پرداخت. تردیدی نیست یکی از ابزارهای لازم مترجم و منتقد، مسلح بودن به شناخت دقیق و کامل روش ترجمه و بازپرداخت است. اکنون، ادبیات فارسی بیش از هر زمان دیگر نیازمند سروسامان بخشیدن به این روش است. مقداری از ضوابط و اصول این روش در آثار پیشین و مقداری نیز در آثار معاصر موجود است. امید است کارشناسان این فن در فرصت‌های مناسب هریک را مورد مذاقه و بررسی



## ● بازپرداخت هر اثر باید با توجه به ویژگی‌های آن اثر و در چارچوب اصول و قواعد بازپرداخت صورت گیرد.

۵. نام داستانی بعضی از مجموعه تصویرها هم تغییر داده شده است.
  ۶. بر پایهٔ نیاز کودک ایرانی... داستانی از آغاز تا انجام برای این سه کتاب تصویری بدون کلام نوشته شده است.
  ۷. نوشته‌ها به زبان و بیان گفتاری نزدیک شده است.
  ۸. در برخی تصویرها، چون کتاب اصلی، نوشته‌هایی با متن تصویر یافته است. این نوشته‌ها، با توجه به بازپرداخت کتاب، ناگزیر تغییر یافته و به فارسی نیز برگردانده شده است. بی‌گمان کودکان خود به کمک بزرگترها درخواهند یافت که نوشته‌ها می‌بایست به آلمانی باشد، نه فارسی»<sup>(۱)</sup>.
  - مقداری از این توضیحات، کاملاً موردی است و به کار ترجمه آثاری مانند این اثر تصویری می‌آید. اما مقداری نیز شمول همگانی دارد و چند مورد نیز باید میزان و مورد آن به روشنی مشخص شود؛ مثل مورد شماره ۲؛ زیرا ممکن است مترجمی دست به حذف و یا تغییر درونمایه و یا محتوا و مضمون اثر بزند و به این شماره و مورد آن استناد و ادعا کند: «من نیز با توجه به نیاز کودک ایرانی، این‌گونه بازپرداخت کرده‌ام.» در این صورت، باید توجه داشت اثری که جهانشاهی بازپرداخت کرده،
- کتابی بدون کلام و تصویری است. پرداخت او در جهت معرفی بیشتر و درک صحیح‌تر پیام‌ها و دیدگاه‌های نویسنده اصلی است، نه حذف و یا تغییر محتوا و مضمون و درونمایه اثر. بنابراین تمام کوشش مترجم در بازپرداخت باید برای ارائهٔ کامل اهداف و نظریات نویسنده و یا تصویرگر کتاب صورت گیرد، نه حذف هویت اثر او. و اگر حذفی باید انجام گیرد، نباید حذف عناصر پایه‌ای اثر نظیر موضوع و محتوا و مضمون و درونمایه باشد. این نکته را نیز نباید فراموش کرد «قصه‌های من و بابام» دارای ویژگی‌های خاص خود است و بازپرداخت آن نیز با توجه به این ویژگی‌ها صورت گرفته است. بنابراین، ممکن است تعدادی از اصول پرداختی آن، به درد آثار مشابه این اثر بیاید و تعدادی به کار نیاید. بازپرداخت هر اثر باید با توجه به ویژگی‌های آن اثر و در چارچوب اصول و قواعد بازپرداخت، صورت گیرد.
- امید است با نظریات کارشناسی صاحب‌نظران، بحث دربارهٔ تنظیم اصول و قواعد روش ترجمه و بازپرداخت ادامه یابد تا بشود ضوابط جامعی برای آن در نظر گرفت.

۱. مطالب توضیحی عیناً به نقل از کتاب «قصه‌های من و بابام» بازپرداخت ایرج جهانشاهی است.